

حفظ محیط‌زیست از دید قرآن و روایات

دکتر طیبه اکبری راد*

چکیده

معضلات محیط‌زیست موجب بروز بحران‌های جدی برای حیات بشر در کره‌زمین شده است. امروزه درد محیط‌زیست، درد مشترک همه بشریت است. ریشه بسیاری از مسائل عدم توجه به معنویت در ارتباط میان انسان و محیط‌زیست است. با توجه به نقش عمده معنویت و اعتقادات دینی در جوامع، راهکار نهایی پایان دادن به بهره‌برداری بی‌حد و حصر انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری برای حفاظت از محیط‌زیست، توجه به تعالیم دینی است. از منظر اسلام مالک مطلق طبیعت و مخلوقات خداست. انسان خلیفه خدا بر روی زمین است. خلیفه و نماینده بودن انسان اقتضا می‌کند که تصرف او در زمین همانند تصرف امانت‌دار باشد. طبیعت ملک خاص هیچ یک از نسل‌های بشری نیست تا هرطور که خواست در آن تصرف کند، بلکه میراث همه بشر است که از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد. لازمه امانت‌داری انتقال محیط پاک و سالم به نسل‌های بعدی است. بر اساس آیات و روایات، انسان در مقابل همه چیز مسؤول است. به موجب این احکام انسان موظف به عمران و آبادانی زمین و حفظ حقوق سایر موجودات است.

واژگان کلیدی

محیط‌زیست، تفسیر موضوعی، طبیعت، قرآن

۱. محیط‌زیست شامل همه چیزهایی است که انسان را احاطه کرده است.

* عضو هیأت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.



بحران محیط‌زیست در زمان ما اقشار مختلفی از دانشمندان جهان را نگران کرده است. بسیاری معتقدند که اگر از شتاب سریع روند ویران‌گری در طبیعت و محیط‌زیست جلوگیری نشود، سلامت کره‌زمین و ادامه حیات بشر و دیگر موجودات زنده در معرض خطر جدی خواهد بود.

آلوده شدن آب اقیانوس‌ها، دریاها و رودخانه‌ها، نابودی جنگل‌های سرسبز، بیابان‌زایی، آلودگی هوا در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، آلودگی صوتی، انقراض نسل برخی از پرندگان و حیوانات، افزایش مصرف انرژی در کل جهان، پدید آمدن شکاف در لایه ازن و مسایلی از این قبیل اسباب نگرانی اندیشمندان را فراهم آورده است.

ریشه بسیاری از مسائل، عدم توجه به معنویت در ارتباط میان انسان و محیط‌زیست است. به قول نصر^۱ «بحران زیست‌محیطی تبلور خارجی بیماری و رنجی داخلی است. این بیماری دیرزمانی است که انسان مدرن را به ستوه آورده، انسانی که برای به دست آوردن زمین از آسمان روی گردانده، به جای آسمان به زمین اصالت داد و اکنون زمین را هم دقیقاً به دلیل نداشتن آسمان از دست می‌دهد».

با توجه به نقش عمده معنویت و اعتقادات دینی در جامعه، راهکار نهایی پایان دادن به بهره‌برداری بی‌حد و حصر انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری برای حفاظت محیط‌زیست، توجه به تعلیم دینی است. هدف اصلی این مقاله آشکارسازی تأکیدات و دستورات اسلام به مسئله محیط‌زیست و حفاظت آن است.

الف) انسان و محیط‌زیست

قرآن کریم سراسر جهان هستی را به زیبایی می‌ستاید و در این باره می‌فرماید: «الذی احسن کل شیء خلقه و بدأ خلق الانسان من طین». سجده/۷. انسان نیز در کمال زیبایی آفریده شده. «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم». تین/۴. «فأحسن صورکم و رزقکم من الطیبات». غافر/۶۴. گرچه هر موجودی زیبا خلق شده، لیکن انسان چون می‌تواند خلیفه الهی شود، لذا نسبت به مخلوقات دیگر از حسن زایدی برخوردار است که مخلوقات دیگر فاقد آن هستند. خداوند سبحان بعد از تبیین آفرینش انسان فرمود: «فتبارک الله أحسن الخاقین» زیبایی انسان گذشته از ظاهر آراسته و نظام‌مند او در گرو کرامت اوست. قرآن کریم درباره کرامت وی چنین فرموده است: «و لقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تقضیلاً». اسراء/۷۰. کرامت انسان مرهون خلافت اوست زیرا جانشین موجود کریم از کرامت برخوردار است و خلیفه آن است که در تمام شئون علمی و عملی خود تابع مستخلف عنه باشد؛ برابر علم او اندیشه پیدا کند و مطابق اراده او صاحب انگیزه شود. اگر موجودی دعوی خلافت کند ولی مطابق مستخلف عنه نیندیشد و انگیزه پیدا نکند، او در ادعا صادق نیست، بلکه غاصبانه بر کرسی خلافت تکیه زده است. مهم‌ترین عنصر خلافت الهی



بعد از فراگیری معارف دینی، آباد ساختن زمین و نجات آن از هرگونه تباهی و تیرگی است. مقصود از زمین، گستره زیست بشر است. چنین محدوده پهناوری از عمق دریا تا اوج سپهر و قله آسمان را در بر می‌گیرد. بنابراین فرهنگ زیست‌محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است. آن کسی که به جای پالایش هوا، آن را می‌آلاید و عوض مرمت زمین، آن را ویران می‌کند و به جای غرس نهال به قطع درخت می‌پردازد و به جای سالم سازی دریا و صحرا از آلوده نمودن آنها ابایی ندارد، چنین فارغ بی‌فروغی بی‌دریغ دروغ می‌گوید و خوشتن را خلیفه خدا می‌شمرد.^۱ لازمه نماینده بودن انسان از خدا در زمین، تبعیت و پیروی انسان از هر چیزی است که مالک و خالق زمین (محیط) به آن امر می‌کند. یعنی در واقع نماینده و وکیل باید به دستور کسی که این نمایندگی و وکالت را به او داده است، رفتار نماید. البته یک نماینده باید در آن چه به او سپرده شده، همانند یک امانت‌دار الهی عمل کند. بنابراین زمین ملک خداست و انسان‌ها همه بندگان خدا هستند و این به معنای آن است که از دیدگاه اسلام هیچ فردی مالکیت مطلق و همیشگی ندارد. به عبارت دیگر هیچ فردی حق ندارد در اموال خود، هرگونه که دلش خواست، تصرف کند، بلکه این مالکیت موقتی و نسبی خواهد بود؛ زیرا مالکیت در بینش اسلام، شرایط و ضوابطی دارد که از طرف خدا وضع شده است. برخی از این شرایط عبارتند از: بهره‌برداری بهینه از طبیعت و نگهداری و جلوگیری آن از هرگونه خرابی و ویرانی^۲ امانتی که به ما داده شده اگر نمی‌توانیم آبادتر تحویل نسل بعد دهیم خرابتر و ویرانتر تحویل ندهیم.

وظایف انسان در قبال طبیعت

قرآن مجید نگاه بسیار جالب و عمیقی به طبیعت دارد. مظاهر طبیعی را مخلوق خدا معرفی کرده و انسان را متوجه آن می‌سازد. «و من آیاته الیل و النهار و الشمس و القمر ...» فصلت/۳۷ از نشانه‌های خداوند شب و روز و خورشید و ماه است.

موجودات طبیعی از نظر قرآن کریم هر چند مخلوق و آفریده خدا هستند، موجوداتی بی‌روح و بی‌جان نیستند بلکه جان داشته و می‌توانند با طبیعت مأنوس شوند، به گفتگو نشسته و نسبت به آن عشق بورزند. موجودات طبیعی از نظر قرآن به علت نحوه رابطه‌ای که با خدا دارند، مقدس هستند و هیچ‌گاه قداست و معنویت از آنها منفک نمی‌شود. همه اجزای طبیعت همواره تسبیح‌گوی حق می‌باشند. «یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض....» جمعه/۱.

قرآن کریم با صراحت می‌گوید: «و ان من شیء الا یسبح بحمده» اسراء/۴۴. همه موجودات تسبیح خدا می‌گویند. کوه و دشت و دریا و درختان که در نظر علوم تجربی موجوداتی گنگ و خاموش بوده که تنها به عنوان موادخام و برای بهره‌برداری بی‌رحمانه انسان پدید آمده‌اند، از نظر اسلام درک و عاطفه دارند. رسول خدا (ص) با اشاره به کوه احد می‌فرماید: «هذا احد، جبل یحبنا و نجبه» این کوه

۱. جوادی آملی، همایش بین‌المللی محیط‌زیست، ۱۳۸۰.

۲. غنیمی، تربیت زیست‌محیطی اسلام و حمایت محیط‌زیست دریایی از آلودگی.





اخذ است، ما را دوست می‌دارد و ما نیز آن را دوست می‌داریم. این کلمات نشان‌دهنده دوستی و الفت و هماهنگی موجود در قلب نخستین مسلمان حضرت محمد (ص) با طبیعتی است که ظاهری سخت و خشن دارد.^۱

از نظر قرآن کریم طبیعت سخره بشر قرار گرفته است، ولی این بدان معنا نیست که بشر بدون هیچ قید و شرطی در تباه کردن آن آزاد باشد، بلکه انسان باید در محدوده قیود و شرایط قوانین الهی عمل کند و با توجه به اینکه او خلیفه خداوند است و قدرتی که از ناحیه خداوند به وی اعطا شده صرفاً برای زندگی موقت در زمین و نهایتاً بازگشت به سوی او است، به بهره‌برداری از طبیعت بپردازد. قدرتی که به بشر اعطا گردیده، مطلق نیست، بلکه محدود به قید مسئولیت است، آن هم نه تنها نسبت به خداوند، بلکه نسبت به همه انسان‌ها و بلکه نسبت به کل آفرینش.^۲

حضرت علی (ع) فرمود: «تقوا الله فی عبادہ و بلائہ فانکم مسولون حتی عن البقاع و البهائم».^۳ یعنی: در میان بندگان خدا و شهرها بر پایه تقوا عمل کنید زیرا همه شما مسئولید حتی نسبت به بقعه‌ها و حیوانات. پس اطاعت کنید از فرمان الهی و گناه نکنید. در واقع در این حدیث هم به اصل مسئولیت اشاره شده و هم به وظیفه‌ای که از اصل یاد شده نشأت می‌گیرد. بدین‌سان که انسان در مقابل همه چیز و از جمله حیوانات و طبیعت اطراف خود مسئولیت دارد و چون چنین است باید در میان شهرها و روستاها و نیز در برخورد با مردم تقوای الهی را رعایت کند.

از جمله مهمترین وظایفی که در خلال دستورات و باید و نیاید‌های شرع برای مسلمانان مشخص شده، اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. آیات متعددی از قرآن کریم انسان را از فساد در زمین بر حذر داشته و به اصلاح در آن که همانا عمل صالح است امر می‌کند. از جمله در آیه ۵۶ اعراف می‌فرماید: «و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها ...» در آیه بعدی از جمله مصادیق اصلاح زمین را، باران، رویدنی‌ها و درختان میوه‌دار ذکر می‌کند. بافت آیه نشان می‌دهد که منظور از فساد در زمین بعد از اصلاح آن به وسیله باران و رویدنی‌ها ... نابود کردن و از بین بردن محیط‌زیست است.^۴

عمران و آبادی زمین یکی از وجوه اصلاح زمین است، چرا که یکی از اهداف مترتب بر فعالیت‌های انسان در زمین، عمران و آبادی آن می‌باشد. چنانچه در آیه ۶۱ سوره هود می‌فرماید: «هو انشأکم من الارض و استعمرکم فیها ...» منظور از عمارت زمین، تأمین اصول زیست‌محیطی برای حیات انسانی است. احکام اسلام درباره محیط‌زیست فراوان و متنوع است. انسان به موجب این احکام نه تنها موظف است به انسان‌های دیگر کمک کند و نیازهای بینوایان را برآورد، بلکه علاوه بر آن موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید. او نه تنها موظف است به پدر و مادر خود مهربانی کند، بلکه باید درخت

۱. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۲۶.

۲. محقق داماد، طبیعت و محیط‌زیست، انسان از دیدگاه اسلام، ص ۲۸۲.

۳. نهج، خطبه ۱۶۷.

۴. طبرسی، مجمع‌البیان فی التفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۳۳؛ ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۲.

بکار و حیوانات را با رأفت و مهربانی تربیت نماید. از آنان حمایت کند و آشیانه آنان را از تباهی و آلودگی حفظ نماید.^۱ پیامبر اکرم غرس درخت میوه را صدقه ثواب آور دانست و در تشویق آن چنین فرمود: «ما من مسلم یغرس غرساً او یزرع زرعاً فیاکل منه انسان او طیر او بهیمه الا کانت له به صدقه».^۲ ثواب صدقه دادن از راه غرس درخت بار آور اختصاص به بهره‌برداری بشر ندارد، بلکه هر مخلوقی اعم از حیوان یا انسان از آن استفاده کند، عنوان صدقه بر آن منطبق خواهد شد. از آن حضرت چنین مآثور است: هر کس نهالی بکارد تا میوه دهد، خداوند به مقدار میوه‌اش به او اجر می‌دهد (همان). دستور اسلام به تحصیل فضای سبز محفوظ است. رسول گرامی اسلام فرمود: «ان قامت الساعه و فی ید احدکم فسیله فان استطاع ان لا یقوم الساعه حتی یغرسها فلیغرسها».^۳ اگر نشایی در دست یکی از شماست و قیامت در آستانه قیام و مرگ شما قطعی است و کمترین مهلت برای غرس نهال و کاشتن آن را در اختیار دارید، از آن فرصت کوتاه کمک بگیرید و آن را کشت کنید. اهتمام اسلام به فضای سبز در متون دینی مشهود است. لذا هم درباره نگهداری درخت و ... آبیاری دستور رسیده و هم درباره پرهیز از قطع آن. از حضرت رسول (ص) مآثور است: «من سقی طلحه او سدره فکأتمأ سقی مومناً من ظمأ».^۴ یعنی هر کس درخت محتاج به آبیاری را سیراب نماید، گویا انسان مؤمن تشنه را سیراب کرده است. در روایتی امام صادق (ع) به شدت از بریدن درختان نهی کرده و فرموده است: «لا تقطعوا الثمار فیصّب الله علیکم العذاب صبأً».^۵ هرگز درختان را قطع نکنید که خداوند عذاب شدیدی را بر شما فرود می‌آورد.

از امام صادق (ع) مآثور است: «لا تطیب السکنی الا بثلاث، الهواء الطیب و الماء الغزیر العذب و الارض الخواره».^۶ زندگی بدون احراز سه عامل حیاتی گوارا نیست: هوای پاک و تمیز، آب فراوان و گوارا و زمین حاصل خیز و قابل کشت و زرع. یعنی لازم است درباره اصل هوا، کیفیت بهره‌برداری از این امانت الهی و چیزهایی که آن را آلوده و بیمار می‌کند و چیزهایی که در پالایش و درمان آن مؤثر است و نحوه پالایش آن، کارشناسی دقیق شده و اجرا شود. همچنین لازم است درباره اصل آب گوارا، کیفیت انتفاع از این ذخیره خدایی و اشیایی که آن را آلوده و مریض می‌کند و اموری که در تطهیر و تنظیف آن مؤثر است و نحوه تصفیه آن، ابتکار فنی معمول شود. لازم است درباره اصل زمین حاصل خیز، کیفیت استفاده از این سفره گسترده الهی و اموری که آن را ویران و بیمار می‌کند و اقدامات لازم به عمل آید. در روایات هم از آلوده نمودن هوا، کوی و برزن و اماکن عمومی نهی شده و هم اگر چنین رخداد تلخی مشاهده شود، برای برطرف کردن آن ترغیب و امر شده است. چنانکه امام جعفر صادق (ع) فرمود: «ان الله عزوجل اذا انعم علی عبد نعمه احب ان یری علیه اثرها، قیل و کیف ذلک قال: ینظف ثوبه و یطیب

۱. نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۶۶-۶۷.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۶۰.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۴۶۰.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۱۱۳.

۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۳۹.

۶. همان.



ریحه و یحسَن داره و یکنس افئیتَه ...^۱ یعنی: خداوند دوست دارد نعمتی که به بنده خود داد، اثر آن را ببیند. پرسیده شد: چگونه؟ فرمود: هر فردی جامه خود را نظیف، خود را خوشبو، خانه خود را نیکو و پیشگاه منزل خود را رفت و رو کند. امور یاد شده، حقوق و وظایف متقابل تمام شهروندان است. رسول گرامی اسلام فرمود: «من اماط عن طریق المسلمین ما یوذیهم کتب الله له اجر قراءه» «اربعماه» آیه کل حرف «بعشر حسنا»^۲. هرکس از راه مسلمانان چیزی را که باعث آزار رهگذر است برطرف کند، خداوند اجر خواندن چهارصد آیه قرآن را در دیوان عمل او ثبت می‌کند که ثواب قرائت هر حرف ۱۰ حسنه است. منظور از راه، فقط مسیر زمینی نیست، بلکه شامل معبر دریایی و پل ارتباطی هوایی نیز می‌شود. مقصود از چیزی که آزار می‌کند، خصوصاً موانع عبوری نیست، بلکه هر چه مایه اذیت عابرین باشد و یکی از مزایای سلامت یا نشاط را از بین می‌برد، مانند بوی زباله، دود کارخانه، مشمول سخن نغز آن حضرت است.^۳

پیامبر اکرم فرمود: ثلاث ملعون من فعلهن، المقوظ ظل النزال و المانع الماء المتتاب و ساد الطريق المسلوک^۴ سه گروهند که در اثر سه کار ناروا مورد لعنت خداوند سبحان هستند. ۱- کسی که مکان عمومی، سایه‌بان‌ها، پارک‌ها، محل نزول مسافران را آلوده کند. ۲- کسی که آب نوبه‌ای را به غضب ببرد. یعنی رعایت نوبت نکند. ۳- کسی که سد معبر کرده و مانع عبور عابران شود.

وظایف انسان در مقابل حیوانات

انسان‌ها عموماً حیوانات را خوار شمرده‌اند. بیشتر به این دلیل است که حیوانات را بی‌زبان تصور می‌کنند. رفتار با حیوانات به گونه‌ای است که گویا آنها هیچ احساسی ندارند. اغلب با دیدی پست به آنها نگاه می‌شود و با آنها بدرفتاری می‌شود. قرآن کریم و احادیث یادآور می‌شوند که حیوانات نیز مانند انسان‌ها جوامعی دارند و خداوند همان‌گونه که انسان را دوست دارد، حیوانات را نیز دوست دارد. خداوند به همان روش که انسان‌ها را آفریده است، حیوانات را نیز آفریده و انسان‌ها همان قدر نشانه قدرت آفریدگی خداوندند که حیوانات. «و ما من دابه فی الارض و لا طائر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم» (انعام، ۳۸) یعنی: و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با بال خود پرواز کند مگر آنکه آنها گروه‌هایی مانند شما هستند. «یا الم یروا الی الطیر فوقهم صافات و یقبضن ما یمسکهن الا الرحمن انه بکل شیء بصیر» (الملک، ۱۹) یعنی: آیا در بالای سرشان به پرندگان ننگریسته‌اند که گاه بال می‌گسترند و گاه بال می‌زنند. جز خدای رحمان آنها را نگاه نمی‌دارد. او به هر چیزی بیناست. در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) بر رعایت حقوق حیوانات تأکید شده است. خداوند در آیه

۱. مجلسی، ج ۷۶، ص ۱۷۶.

۲. همان، ج ۷۵.

۳. جوادی عاملی، ص ۶۴.

۴. حر عاملی، ج ۱.



۱۹ سوره نمل از زبان سلیمان می‌فرماید: «رب او زعی أن اشکر نعمتک التی انعمت علی و علی والدی و آن اعمل صالحاً ترضیه ...» این آیه دعای سلیمان است. سلیمان صاحب ملک عظیم بود و با وجود اینکه نیروهای موجود در عالم وجود تحت سیطره او بود، مغرور و فریفته دنیا نشد. سلیمان وقتی سخن مورچه‌ای را شنید که از مورچگان دیگر خواست به مسکن‌های خود رفته تا سلیمان و سپاهیان وی به غفلت او را له نکنند، لیخندی زده و گفت: پروردگارا الهام فرما شکر نعمتی که به من و پدر و مادرم ارزانی داشتی بجا آورده و عمل صالح انجام دهم که آن را پسند کنی ... به نظر می‌رسد عمل صالح در اینجا در رابطه با موجودات دیگر مصداق می‌یابد و عمل صالح به معنای رعایت حقوق موجودات دیگر در نظام طبیعت است.

اگر در این آیه عمل صالح در ارتباط با مورچه مصداق یافته، هشدار است بر این امر که کوچکترین موجودات در جهان هستی نیز حقوقی داشته و حقوقشان باید حفظ شوند.

امام صادق (ع) در مورد حقوق حیوانات فرمودند: چهارپا بر صاحب خود شش حق دارد. بیش از طاقت حیوان از او کار نکشد، پشت حیوان را محلی که بر آن بنشیند و با دیگران سخن بگوید، قرار ندهد (بی‌جهت بر حیوان سوار نشود). هرگاه پیاده می‌شود به فکر تهیه علوفه و خوراک حیوان باشد. او را دشنام ندهد. به صورت حیوان نزند، زیرا او تسبیح خدای را می‌گوید: هرگاه به آب رسیدند، آب را بر او عرضه کند.^۱

در روایات اسلامی از فحش و دشنام دادن به حیوانات نهی شده است. در سیره علی (ع) آمده است (آنه یکره سب البهائم دشنام دادن به حیوانات را ناپسند می‌شمرد).^۲

در اسلام از آزار و اذیت حیوانات نهی شده است. نقل است که رسول خدا از جایی می‌گذشت، مشاهده کرد افرادی مرغ زنده‌ای را نشانه گرفته و با سنگ می‌زنند، بسیار برافروخته شد. خطاب به آنها فرمود: آنان کیانند که رحمت خدا از آنان دور باد.^۳ در روایتی پیامبر اکرم (ص) از تحریک حیوانات و به جان هم انداختن آنها نهی فرموده‌اند. «نهی رسول الله (ص) عن تحریس البهائم». ^۴ و نیز تخریب و دست زدن به لانه پرنده‌گان و از حمله شبانه به آنها در لانه‌هایشان منع فرمود: «لا تأتوا الفراخ فی اعشاشها و لا الطیر فی منامه حتی یصبح فلا تطرقه فی منامه حتی یصبح و لا تأتوا الفرح فی عشه حتی یریش و یطیر ...».^۵

در روایات اسلامی به غذا دادن حیوانات سفارش شده است. یکی از یاران امام حسن مجتبی (ع) می‌گوید دیدم که حضرت غذا می‌خورند. پیش روی ایشان سگی تشسته بود. حضرت هر لقمه‌ای که می‌خورد به سگ نیز مثل آن را می‌داد. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا اجازه می‌دهید سگ را دور

۱. حر عاملی، ج ۸، ص ۳۵۱.

۲. محدث نوری، ج ۸، ص ۲۶۱.

۳. همان، ج ۸، ص ۳۰۳.

۴. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۶۰.

۵. کلینی، ج ۶، ص ۲۱۶.



کنم تا راحت‌تر باشید. فرمود: رهایش کن. من از خدا شرم دارم که موجود زنده‌ای به من نگاه کند و من بخورم در حالی که او را بی‌نصیب بگذارم.^۱ پیامبر اکرم فرمود: مردی از راهی می‌گذشت، تشنه شد، چاهی یافت و وارد آن شد و آب نوشید. وقتی بیرون آمد، سگی را دید که لهله می‌زد و خاک (مرطوب) را می‌خورد. با خویش گفت: او هم مانند من تشنه است دوباره وارد چاه شد. کفشش را از آب پر کرد. آن را به دندان گرفت و از چاه بیرون آمد و سگ را سیراب کرد. خداوند نیز از وی سپاسگزاری کرد. پرسیدند مگر سیراب کردن چارپایان نیز پاداش دارد؟ فرمود: سیراب کردن هر تشنه‌ای پاداش دارد. در روایتی دیگر فرمود: سپاسگزاری خدا از آن مرد آن بود که وی را وارد بهشت کرد.^۲ همچنین فرمود: هرگاه سوار چارپایان گرسنه شدید، اگر زمین (محل عبور شما) بدون گیاه است، با شتاب از آن بگذرید و اگر سرسبز است، بایستید.^۳

امام علی (ع) نیز در حمایت از حیوانات فرمود: حیوانات را به دست چوپانی خیرخواه و مهربان، امین و حافظ که نه سختگیر باشد و نه ستمکار، نه تند براند و نه حیوانات را خسته کند، بسپار، ... به او سفارش کن تا بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند. شیر آن را ننوشد تا به بچه‌اش زیانی وارد نشود. در سوار شدن بر شتران عدالت را رعایت کند. مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است، بنماید. آنها را در سر راه به درون آب ببرد. از جاده‌هایی که در اطراف آن علف زار است به جاده بی‌علف نکشاند. هر چندگاه شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند. هرگاه به آب و علفزار رسید، فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند.^۴

نتیجه‌گیری

بحران محیط‌زیست طبیعی، مشکل اصلی و دغدغه خاطر بشریت امروز را تشکیل می‌دهد. مواجهه خشن و بی‌رحمانه با طبیعت در قرون اخیر ناشی از انگیزه توسعه‌طلبی، فزون‌خواهی و بهره‌وری بی‌رویه از منابع اولیه است، آلوده کردن دریاها، سوختن جنگل‌ها، گرم شدن آب و هوای کره زمین و یا پاره شدن لایه اوزون، سرانجام او را از خواب غفلت بیدار کرده است. ناله معصومانه پرندگان رو به زوال در اثر شکار مترفانه، انقراض گونه‌های زیستی، خاموشی نفس مرغان هوایی و مرگ و میر ماهیان زیبا و نهنگ‌های دریایی، انسان را دچار چنان خلایق ساخته که به این امر مهم اهتمام نماید و دل سنگ او را به حرکت درآورد، به پیامدهای این حیات نامعقول و سرانجام این زندگی سلطه‌جویانه و انحصارگرایانه‌ای که گویی هیچ مخلوق دیگری روی کره خاکی حایز اهمیت نیست توجه کند و برای حل آن اندیشه نماید.

۱. محدث نوری، ج ۸، ص ۲۹۵.
۲. نجاری، صحیح نجاری، ج ۳، ص ۷۷.
۳. ابن بابویه، ج ۲، ص ۲۹۰.
۴. نهج، نامه ۲۵.

راهکار نهایی به این بحران و ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری برای حفاظت از محیط‌زیست توجه به تعالیم دینی و رهنمودهای اسلامی است.

از منظر قرآن کریم مالک و خالق یگانه طبیعت و مخلوقات خداست. انسان خلیفه خدا بر روی زمین است. خلیفه و نماینده بودن انسان به طور طبیعی اقتضا می‌کند که تصرف او در زمین همانند تصرف امانت‌دار در امانت باشد. زمین از آن خدا و مردم همه بندگان او هستند. بنابراین، برای هیچ کس مالکیت دائمی قرار داده نشده است. طبیعت و محیط در همه ابعاد خود ملک خاص هیچ یک از نسل‌های بشری نیست، تا هر طور که خواست در آن تصرف کنند. محیط و طبیعت میراث همه بشر و پشتوانه و اعتبار دائمی همه انسان‌هاست که از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد. هیچ نسلی اجازه ندارد از طبیعت به نفع خود استفاده‌هایی بی‌جا کرده و آن را فرسوده و ضایع و آلوده کند. چنین رفتاری به طور دقیق مغایر آن چیزی است که خداوند از ما خواسته است. لازمه امانت‌داری این است که همچنان که ما این محیط را پاک و سالم از نسل‌های پیش تحویل گرفته‌ایم، پاک و سالم به نسل بعد خود بسپاریم.

براساس آیات و روایات، انسان در مقابل همه چیز و از جمله حیوانات و طبیعت اطراف خود مسئولیت دارد. مهمترین وظیفه انسان در قبال طبیعت اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. یکی از وجوه اصلاح زمین عمران و آبادی است. منظور از عمارت زمین تأمین اصول زیست‌محیطی برای حیات انسانی است. احکام اسلام درباره محیط‌زیست فراوان و متنوع است. انسان به موجب این احکام نه تنها موظف است به انسان‌های دیگر کمک کند، بلکه موظف است از آلوده کردن آب و خاک و هوا پرهیز نماید. با حیوانات با رأفت و مهربانی مواجه شده و از آنان حمایت نماید.

شپه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۲. اندلسی، ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی، لبنان، دارالکتب العلمیه.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، انتشارات دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۴. جوادی آملی، عبدالله، فرهنگ زیست‌محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است، همایش بین‌المللی محیط زیست، دین و فرهنگ، ۱۳۸۰.
۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۶. سید قطب، فی ظلال القرآن، دار الشروق، ۱۴۰۰ هـ.
۷. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۲ هـ.
۹. غنیمی، زین‌الدین عبدالمقصود، تربیت زیست‌محیطی اسلام و حمایت محیط‌زیست دریایی از آلودگی، سازمان تربیت و فرهنگ و علوم عربی.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
۱۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، طهران، المکتبه الاسلامیه.
۱۳. محقق‌داماد، مصطفی، طبیعت و محیط‌زیست انسان از دیدگاه اسلام، تهران، رهنمون (نشریه مدیرسه عالی شهید مطهری)، ش ۲ و ۳، ۱۳۷۱.
۱۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، قم، المکتبه الاسلامیه.
۱۵. نصر، سید حسین، دین و بحران زیست‌محیطی، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، مجله نقد و طنز، شماره ۱ و ۲، سال پنجم، ۱۳۷۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۷۸

